

Re-studying the Narration of *Thu' bān* in virtues (Manāqib) of Amīr al-Mo'menīn (a.)

Research Article

Emamat pajouhi
Eleventh year, vol .1
spring & summer 2021
DOI:10.22034 /
jep.2021.261346.1262
jep.emamat.ir



Ehsan Sorkhei¹/ Hussein Moradi Nasab²

Abstract:

Studying the narrations related to the recorded virtues of Ahl-ul Beit is vitally important to distinguish between appropriate and inappropriate ones and draw a separating line between them. There are countless narrations of virtues attributed to Ahl-ul Beit recorded in historical and Hadith resources whose validity must be investigated thoroughly. Validating the authenticity of any historical account must rely on internal proofs such as content, narrator, and resources as much on external resources such as peripheral accounts. These factors vary from account to account and the extent of impact differs depending on the importance of the role played by each factor. Thu'bān's narration is a typical example whose authenticity must be validated based on proof-testing principles available. The current study aims to investigate the authenticity of it based on the collection of various proofs and references to historical texts. The findings suggest that the differences witnessed in reporters and narrators does not lead to any contradiction, on the contrary, there is an overlap witnessed among the various versions of accounts. However, this report does not have strength as a reference point. In fact, the proofs in regard to the text and text peripheries make the whole report and the whole incident credible.

Key words: Amir-ul Momenin, Thu'bān, virtues, Kofa mosque, Bab al-Fil

1. Associate professor, Department of Quranic Studies, faculty of Islamic Sciences, Howze & University research institute, Qom, Iran. Corresponding author. E-mail: e.sorkhei@gmail.com

2. Associate professor, department of history, faculty of Islamic Sciences, Howze & University research institute, Qom, Iran. E-mail: hmoradi@rihu.ac.ir

دراسة حول خبر الثعبان في مناقب أمير المؤمنين عليه السلام

إحسان سرخه اي^١ / حسين مرادي نسب^٢

مقالة محكمة

امامت پژوهشی
السنة الحادية عشرة
العدد الأول، ربيع و
صيف سنة ٢٠٢١

jep.emamat.ir



الخلاصة

لا يخفى مدى أهمية دراسة الروايات المتعلقة بفضائل أهل البيت عليهم السلام بغية التعرف على الأخبار الصحيحة وتمييزها عن السقيمة، وحيث إن الأخبار الحاكية عن مناقب الأئمة من أهل البيت عليهم السلام واردة في كثير من المصادر التاريخية والحديثية فلا بدّ من بحث اعتبارها وقيمتها العلمية، وذلك طبقاً للشواهد الداخلية نحو المحتوى والرواة والمصادر، والشواهد الخارجية كالتقارير المحيطة بها، ولا ريب في اختلاف هذه العوامل من رواية إلى أخرى وتباين أدوارها، ومن تلك الأخبار «خبر الثعبان»، فيلزم التحقق من صوابه اعتماداً على الشواهد الموجودة. ومن هنا، حاولنا في هذه المقالة إحصاء شواهد متنوعة حول الموضوع والرجوع إلى المصادر القديمة بغية التثبت من صحة «خبر الثعبان»، وتوصلنا من خلال تحليل المعطيات التي حصلنا عليها إلى أنّ الاختلاف في نقل هذا الخبر لا يوجب انتفاء صدوره، بل إنّ بعضه مكمل لبعضه الآخر. وأما من حيث الإسناد والمصادر والطرق فهو فاقد للقوة اللازمة، ومع ذلك يبدو أنّ الشواهد المحيطة بمتن الحديث والقرائن الجانبية جعلته قابلاً للتصديق.

الكلمات المفتاحية: أمير المؤمنين عليه السلام، الثعبان، المناقب، مسجد الكوفة، باب الفيل.

١. أستاذ مساعد في قسم العلوم القرآنية، معهد العلوم الإسلامية، مركز أبحاث الحوزة والجامعة، في قم (الباحث

المسؤول). e.sorkhei@gmail.com

٢. أستاذ مساعد في قسم التاريخ، معهد العلوم الإسلامية، مركز أبحاث الحوزة والجامعة، في قم.

hmoradi@rihu.ac.ir

بازپژوهی خبر ثعبان در مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام*

احسان سرخه‌ای^۱ / حسین مرادی‌نسب^۲

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی پژوهشی
امامت پژوهی، سال نازدهم
شماره اول، شماره پیاپی ۲۹
بهار و تابستان ۴۰۰
صفحه ۱۷۵ - ۲۰۶

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2021.261346.1262



copyright © the authors

چکیده

بررسی گزارش‌های مرتبط با فضائل اهل بیت علیهم السلام برای شناخت اخبار صحیح و غیر صحیح و تمییز آنها از یکدیگر، بسیار با اهمیت است. در بسیاری از منابع تاریخی و حدیثی، اخبار مناقب اهل بیت علیهم السلام گزارش شده است که باید اعتبارشان بررسی شود. اعتبارسنجی باید با استناد به شواهد درونی همچون محتوا، راویان و منابع، و نیز شواهد بیرونی مانند گزارش‌های پیرامونی باشد. این عوامل در هر خبر متغیر و میزان نقش هر یک متفاوت است. «خبر ثعبان» نمونه‌ای از این اخبار است که باید با توجه به شواهد، به درستی آن پی برد. این تحقیق با گردآوری شواهد گوناگون و رجوع به منابع کهن، تلاش می‌کند درستی «خبر ثعبان» را بررسی کند. تحلیل گزارش‌ها نشان می‌دهد که تفاوت موجود در نقل‌های خبر، به تنافی آنها منجر نمی‌شود و نوعی هم‌پوشانی در آنها مشاهده می‌شود؛ اما از جنبه اسنادی، منابع و طرق از قوت لازم برخوردار نیستند. با این حال شواهد پیرامون متن و حاشیه، این ماجرا را باورپذیر در نظر می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: امیرالمؤمنین علیه السلام، ثعبان، مناقب، مسجد کوفه، باب الفیل.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲.

۱. استادیار، گروه قرآن پژوهی، پژوهشکده علوم اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران
(نویسنده مسئول). e.sorkhei@gmail.com

۲. استادیار، گروه تاریخ، پژوهشکده علوم اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

hmoradi@rihu.ac.ir

درآمد

شناخت گزاره‌های جعلی از صحیح، از مهم‌ترین امور در مطالعات مناقب و سیره اهل بیت علیهم‌السلام است. صاحب‌نظران و رجال‌شناسان برای اعتبارسنجی گزارش‌ها با پیروی از کتاب، سنت و شیوه عقلا، ملاک‌های متعددی را در نظر می‌گیرند. بسیاری از مؤلفان اهل سنت و شیعه به مناقب‌نگاری اهتمام ورزیده‌اند و ویژگی‌ها و فضائل گوناگونی را برای اهل بیت علیهم‌السلام ثبت کرده‌اند که دیگران از آن بی‌بهره‌اند. بخشی از فضائل اهل بیت علیهم‌السلام به علم ایشان بازمی‌گردد؛ یعنی هرآن‌چه را بخواهند به آن آگاهی می‌یابند.^۱ آنان حتی به زبان حیوانات نیز آگاه هستند. بخشی از بصائرالدرجات به گزارش اخبار مرتبط با این فضیلت ائمه علیهم‌السلام اختصاص دارد.^۲ برای نمونه، امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید:

ما همچون سلیمان بن داود، با زبان پرندگان و هر جانور خشکی یا دریایی آشنایی یافته‌ایم.^۳

فضائل بی‌شمار اهل بیت علیهم‌السلام سبب شد تا عده‌ای از سرغلو یا انگیزه‌های دیگر، به جعل منقبت برای ایشان پردازند. آمیخته‌شدن اخبار نادرست و صحیح، ضرورت تمییز سره از ناسره را آشکار می‌کند.

اعتماد به اخبار از عوامل مختلفی چون محتوای گزارش، استحکام متن، راویان گزارشگر، منابع روایتگر، نُسخ اثر، شخصیت‌های پذیرنده، گزارش‌های مرتبط و مانند آنها، تأثیر می‌پذیرد. این عوامل در هر خبر متفاوت و میزان نقش هر یک متغیر است. در بیشتر اوقات شواهد درونی و پیرامونی گزارش کمک می‌کند تا اصل ماجرا روشن شود.

در این مقاله برای نمونه، خبر ثعبان با توجه به شواهد مختلف بررسی می‌شود تا میزان اعتماد به آن آشکار شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که پژوهشی پیرامون خبر

۱. رک: صفار، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۴۵۱.

۲. رک: همان، ص ۳۴۱-۳۵۴.

۳. همان، ص ۳۴۴، ح ۱۲.

ثعبان صورت نگرفته است. امتیاز این مقاله واکاوی مجموعه شواهد مرتبط با این خبر و تحلیل قابلیت پذیرش آن است.

در منابع تاریخی و مناقب‌نگاری اهل بیت علیهم‌السلام، گزارش‌های متنوعی درباره خبر ثعبان آمده است. چکیده و بخش مشترک گزارش‌های متنوع آن است که ماری بزرگ (ثعبان) در هنگام ایراد خطبه امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مسجد کوفه، وارد مسجد می‌شود. مردم هراسان عزم کشتنش را می‌کنند؛ اما امام علیه‌السلام می‌فرمایند، او را به حال خود بگذارید. او خود را به امام علیه‌السلام می‌رساند و فرستاده جنیان معرفی می‌کند و درباره موضوعی با امام علیه‌السلام سخن می‌گوید.

در ادامه پس از اشاره‌ای کوتاه به معنای مناقب و ثعبان، شواهد مرتبط با این خبر ارائه و سپس تحلیل می‌شود.

مناقب اهل بیت علیهم‌السلام

«مناقب» جمع «منقبه» است که به «کَرَمُ الفَعَالِ» تفسیر و ضد «المثلیة» معرفی شده است.^۱ بنابراین مناقب، صفات و اخلاق پسندیده‌ای است که انسان بدان‌ها شناخته می‌شود. البته درباره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام افزون بر علم، شجاعت، سخاوت، گذشت و...، کرامات و معجزات آنان را نیز باید از مناقب ایشان برشمرد. به همین دلیل مجمع البحرین در شرح «منقبه» آورده است: «والمناقب: الفضائل. و المُنْقَبَة: المعجزة».^۲ این تفسیر به دلیل استعمال «مناقب» در توصیف ویژگی‌های اولیای دین و ائمه علیهم‌السلام بیان شده است.

شناختن و شناساندن مناقب اهل بیت علیهم‌السلام، به سفارش پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام^۳ از ابتدا مورد توجه مسلمانان بوده است. بسیاری از سیره‌نویسان، مورخان، محدثان و راویان، بخشی از آثار خود را بدین امر اختصاص داده‌اند. روشن است که مناقب

۱. فراهیدی، خلیل، العین، ۵/ ۱۸۰؛ ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ۱/ ۷۶۸.

۲. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ۲/ ۱۷۵.

۳. برای نمونه رک: مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۲۳/ ۸۱، ح ۱۹ و ۲۷/ ۲۸، ح ۱۰ و ص

۸۸، ح ۳۶.

باید مستند به کتاب خدا و سنت و گفتار رسول خدا ﷺ و اهل بیت  باشد. هم چنین باید از غلو و کتمان فضایل اهل بیت  پرهیز شود.

سیره پژوهان باید گزارش های تاریخ و مناقب اهل بیت  را ارزیابی کنند؛ زیرا کوتاهی در این امر سبب افتادن به وادی گزارش های جعلی است. بررسی یک گزارش تاریخی در واقع بررسی تمامی عوامل کاهنده یا افزایش دة احتمالی در اعتبار آن است. در این فرایند، باید همه شواهد متنی و محتوایی، روایان و مانند آنها را بررسی کرد؛ شواهدی که در کنار یکدیگر قرار می گیرند تا در نهایت به پذیرش یا رد گزارش منجر شوند.

معنای ثعبان

ثعبان در فارسی معادل «اژدها» به کار رفته است. لغت نامه دهخدا^۱ و فرهنگ معین^۲ آن را مار بزرگ و اژدها معرفی کرده اند. هم چنین در قاموس قرآن واژه ثعبان به اژدها ترجمه شده است.^۳ از سوی دیگر، در فرهنگ معین معنای اژدها چنین آمده است:

اژدها. اژدر: ماری است افسانه ای با جثه ای بزرگ که بال ها و چنگ های قوی دارد و از دهانش آتش بیرون می جهد.

برابرنهاندن اژدها برای ثعبان، یادآور موجودی افسانه ای با بال و چنگال است که از دهانش آتش بیرون می جهد. این موجود در اساطیر شرق آسیا، خاور میانه و حتی مصر ریشه دار است.

واژه «ثعبان» در عربی معادل «ماری کلفت و دراز» است.^۴ «ثعب» به معنای جاری شدن آب و مانند آن است. گویا برای سرعت خزیدنش، به آن «ثعبان» گفته اند.

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ۱۶۹۱/۲.

۲. معین، محمد، فرهنگ معین، ۱۵۱/۱.

۳. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ۳۰۵/۱.

۴. فراهیدی، خلیل، همان، ۱۱۱/۲؛ جوهری، اسماعیل، الصحاح، ۹۲/۱؛ ابن فارس، احمد،

معجم مقاییس اللغة، ۳۷۸/۱.

در یکی از گزارش‌های ماجرای ثعبان آمده است: «إِذْ أَقْبَلْتَ أَعْمَى مِنْ نَاحِيَةِ بَابِ الْفِيلِ رَأْسَهَا أَعْظَمَ مِنْ رَأْسِ الْبَعِيرِ»^۱. این نشان می‌دهد که تلقی حاضران در مجلس نیز ماری بزرگ و عظیم‌الجثه بوده است.

این واژه درباره عصای حضرت موسی عليه السلام نیز اطلاق شده است. «فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ»^۲؛ اما هیچ‌یک از مفسران، مار موجود در این آیات را به اژدها و موجود افسانه‌ای تفسیر نکرده‌اند. بنابراین با گردآوری شواهد می‌توان ورود ماری بزرگ به مسجد در حین سخنرانی امیرالمؤمنین عليه السلام را پذیرفت.

خبر ثعبان در منابع

خبر ثعبان در برخی کتاب‌های حدیثی، کلامی و مناقب‌نگاری آمده است. بیشتر آنان این ماجرا را در گزارش معجزات و علم امیرالمؤمنین عليه السلام ثبت کرده‌اند. آثار موجود به ترتیب تاریخ وفات مؤلف معرفی می‌شوند.

۱. بصائر الدرجات: اثر مرحوم صفار (م ۲۹۰ ق) از محدثان معروف قم که از منابع نگارش الکافی است.^۳ ظاهراً صفار این خبر را از منبع دیگری به دست آورده است که اکنون در دسترس نیست. کتاب بصائر الدرجات بیانگر کرامات ائمه عليهم السلام و برتری آنان بر پیامبران عليهم السلام و وسعت قدرت و علم ایشان است.

۲. الکافی: کلینی (م ۳۲۹ ق) پس از صفار، متنی بسیار مشابه را در کتابش^۴ آورده است. به دلیل اشتراک بیشتر روایان خبر در الکافی و بصائر، احتمالاً کلینی آن را از صفار یا منبعی مشترک گزارش کرده باشد. ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) در مناقب آل ابی طالب عليهم السلام، خبر ثعبان را از الکافی نقل کرده است.^۵ این کتاب یکی از برترین آثار نوشته شده در حوزه مناقب‌نگاری است که به زندگی و فضائل پیامبر

۱. خصیبی، حسین، الهدایة الکبری، ص ۱۵۲.

۲. اعراف: ۱۰۷؛ شعراء: ۳۲.

۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۹۷، ح ۷.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/۳۹۶، ح ۶.

۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، ۲/۲۵۱.

اکرم عَلَيْهِ السَّلَام و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام تا امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام می پردازد.

۳. الهدایة الکبری: اثر حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۳۴ ق) درباره فضائل و کرامات امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام است.

۴. اثبات الوصیة: اثر مسعودی (م ۳۴۶ ق).^۱ این اثر درباره زندگی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اثبات امامت ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام است.

۵. الارشاد: اثر شیخ مفید (م ۴۱۳ ق).^۲ این کتاب درباره زندگانی و فضائل امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام است که به کرامات آنان نیز اشاره دارد. یوسف بن حاتم شامی (م ۶۶۴ ق) در الدر النظیم، به نقل از الارشاد این خبر را گزارش کرده است.^۳ این اثر نیز درباره زندگی و کرامات معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام است. به دلیل شباهت زیاد، به احتمال روضه الواعظین فتال نیشابوری (م ۵۰۵ ق) نیز این خبر را از الارشاد نقل کرده است.^۴ روضه الواعظین درباره اصول عقاید، اخلاق، زندگی و فضائل ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام است. متن خبر شعبان در اعلام الوری، اثر طبرسی (م ۵۴۸ ق) نیز مشابه متن الارشاد است.^۵

۶. المناقب: اثر محمد بن علی بن حسین علوی (م قرن ۵).^۶ از علوی اطلاعات زیادی در دست نیست. گویا باید او را معاصر با نجاشی (م ۴۵۰ ق) دانست.^۷ این کتاب در شمار مصادر علامه مجلسی در تألیف بحار الانوار جای دارد. علامه مجلسی مؤلف آن را نمی شناسد و از آن به «کتاب عتیق فی فضائل امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام»

۱. خصیبی، حسین، همان.

۲. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، ص ۱۵۳.

۳. مفید، محمد بن محمد، ارشاد، ۱/۳۴۸.

۴. شامی، یوسف، الدر النظیم، ص ۳۰۳.

۵. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضه الواعظین، ص ۱۱۹.

۶. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ۱/۳۵۲.

۷. علوی، محمد بن علی، مناقب، ص ۸۷.

۸. رک: تهرانی، آقابزرگ، الذریعة، ۲۲/۳۱۷.

یاد می‌کند.^۱ کتاب مشتمل بر ۵۱ خبر درباره فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام و برخی اخبار دیگر است.

۷. عیون المعجزات: اثر حسین بن عبدالوهاب (م قرن ۵).^۲ عیون که مشتمل بر کرامات اهل بیت علیهم السلام است، برای اثبات امامت ایشان نوشته شده است. مؤلف، سلسله اسناد همه روایات را ذکر نکرده است. شاذان بن جبرئیل (م ۶۶۰ ق) در الروضة فی فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نیز خبر ثعبان را نقل کرده است.^۳ به دلیل شباهت بسیار، به احتمال این خبر از عیون المعجزات نقل شده است.

۸. بشارة المصطفی: اثر محمد بن علی طبری امامی (م ۵۲۵ ق).^۴ در این کتاب احادیث مرتبط با منزلت و درجات شیعیان و کرامات ائمه علیهم السلام با سند کامل گرد آمده است.

۹. الخرائج و الجرائح: اثر قطب راوندی (م ۵۷۳ ق).^۵ اخبار در این کتاب که درباره معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام است، بدون ذکر منبع و سند گرد آمده‌اند.

۱۰. الفضائل: اثر شاذان بن جبرئیل (م ۶۶۰ ق).^۶ در انتساب این کتاب کم حجم به مؤلف تردید جدی وجود دارد.^۷ غیر از خبر مولد النبی صلی الله علیه و آله و سلم بیشتر کتاب به فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام اختصاص دارد.

۱۱. در بحر المناقب: اثر حنفی موصلی (ابن حسنویه) (م ۶۸۰ ق)^۸ که گویا از اهل سنت است.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۱/۲۶.

۲. ابن عبدالوهاب، حسین، عیون المعجزات، ص ۱۳.

۳. قمی، شاذان، الروضة، ص ۱۷۴.

۴. طبری، محمد بن علی، بشارة المصطفی، ص ۱۶۴.

۵. قطب الدین راوندی، سعید، الخرائج و الجرائح، ۱/۱۸۹.

۶. قمی، شاذان، الفضائل، ص ۷۰.

۷. رک: تهرانی، آقابزرگ، همان، ۲۵۰/۱۶.

۸. مرعشی، شهاب‌الدین، شرح احقاق الحق، ۷۳۳/۸.

۱۲. العقد النضید و الدر الفرید: اثر محمد بن حسن قمی (م قرن ۷).^۱ مؤلف برای اختصار و به دلیل اعتقاد به درستی، احادیث مرتبط با فضائل حضرت علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام را در این کتاب بدون ذکر سند گرد آورده است.

۱۳. مشارق انوار الیقین: حافظ رجب بُرسی (م ۸۱۳ ق) خبر ثعبان را در این کتاب از ابن شاذان نقل کرده است.^۲ به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد و تفاوت با سایر نقل‌ها، به درستی روشن نیست این گزارش از کدام اثر به دست آمده است. مؤلف با استفاده از مبانی عرفان نظری به شرح و تفسیر مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السلام، به ویژه حضرت علی علیه السلام پرداخته است.

۱۴. ارشاد القلوب: اثر دیلمی (م ۸۴۱ ق). این کتاب مشتمل بر مواعظ قرآنی و حدیثی و فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. مؤلف این کتاب، خبر ثعبان را به شکل مرسل گزارش کرده است.^۳

از بزرگان فقه و کلام نیز محقق حلی (م ۶۷۶ ق) در المسلك فی اصول الدین با اشاره، ماجرای ثعبان را تأیید کرده است.^۴ این اثر کلامی به اثبات امامت ائمه اطهار علیهم السلام می‌پردازد و به کرامات ایشان اشاره دارد. هم‌چنین علامه حلی (م ۷۲۶ ق) با اشاره به ماجرای ثعبان در دو اثر کلامی اش کشف المراد^۵ و منهج الکرامه^۶ در اثبات امامت امامان معصوم علیهم السلام، آن را تأیید می‌کند.

۱. متون خبر ثعبان

بصائر الدرجات قدیمی‌ترین منبع در دسترس است که خبر ثعبان در آن گزارش شده است. متن خبر این‌گونه است:

۱. قمی، محمد بن حسن، العقد النضید، ص ۲۰.
۲. بُرسی، حافظ رجب، مشارق انوار الیقین، ص ۱۲۱.
۳. دیلمی، حسن، ارشاد القلوب، ۲/ ۲۷۸.
۴. حلی، جعفر بن حسن، المسلك، ص ۲۴۶.
۵. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد، ص ۵۰۲.
۶. همو، منهج الکرامه، ص ۱۷۳.

... از جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام، فرمود: هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام [در مسجد کوفه] بر منبر بود، ناگهان ماری بزرگ [ثعبان] از طرف یکی از درهای مسجد روی آورد. مردم آهنگ کشتنش کردند. امیرالمؤمنین علیه السلام کس فرستاد، تا دست نگاه دارند. مردم از کشتنش خودداری کردند و او سینه‌کشان و شتابان می‌رفت تا به منبر رسید. برخاست و روی دمش ایستاد و به امیرالمؤمنین علیه السلام سلام کرد. حضرت با دست اشاره فرمود [که بنشینند تا خطبه‌اش تمام شود] و مردم نظاره‌گر بودند، درحالی‌که او در کنار منبر بود. چون امیرالمؤمنین علیه السلام از خطبه فارغ شد، روی به او نمود و فرمود: کیستی؟ گفت: من عمرو بن عثمان، خلیفه شما بر طایفه جنم. پدرم مُرد و به من وصیت کرد خدمت شما آیم و رأی شما را به دست آورم. اکنون نزد شما آمدم تا چه دستور و نظر فرمایی.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: تو را به تقوای خدا سفارش می‌کنم و این‌که باز گردی و در میان جنیان به جای پدرت باشی و تو خلیفه من بر ایشان هستی. او با امیرالمؤمنین علیه السلام خدا حافظی کرد و بازگشت. پس او هم اکنون نیز خلیفه آن حضرت بر جنیان است.

من [جابر] به حضرت عرض کردم: قربانت گردم، عمرو [بن عثمان]، خدمت شما نیز می‌آید و این آمدن براو واجب است؟ فرمود: آری.^۱

کلینی (م ۳۲۹ ق) نیز این خبر را با اندکی تفاوت از طریق محمد بن یحیی و احمد بن محمد از محمد بن حسن [صفار]، روایت کرده است.^۲ با توجه به حضور صفار در این طریق و یکسان بودن سایر افراد پیش از وی، احتمال نقل کلینی از کتاب بصائر الدرجات وجود دارد؛ اما وجود برخی اختلافات جزئی در این متن، احتمال افتادن بخشی از متن موجود در بصائر الدرجات برجای مانده یا استفاده از منبعی مشترک را تقویت می‌کند.

۱. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۹۷، ح ۷.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۳۹۶/۱، ح ۶.

نکته‌ای که این دو گزارش را از گزارش‌های بعدی متمایز می‌کند آن است که امام باقر علیه السلام ناقل ماجرایند و گفتگوی بین امیرالمؤمنین علیه السلام و ثعبان را نیز خود بیان فرموده‌اند؛ اما در دیگر اخبار، مردم محتوای گفتگورا از زبان امیرالمؤمنین علیه السلام شنیده‌اند.

در قرن چهارم، خصیبی (م ۳۳۴ ق) در الهدایة الکبری، این خبر را به گزارش از حارث همدانی نقل می‌کند. در ابتدای این خبر آمده است:

بینما امیرالمؤمنین علیه السلام یخطب فی الناس یوم الجمعة فی مسجد الکوفة
إذ أقبلت أفعی من ناحية باب الفیل...^۱

در این خبر به جای «ثعبان» تعبیر «أفعی» آمده است. در روایت حارث همدانی سر این افعی به اندازه سرب یک شتر گزارش شده است. او می‌گوید:

با ورود افعی، مردم از ترس به دو طرف مسجد فرار کردند تا این که او از منبر بالا رفت. سپس گردن فراز کرد تا گوش امیرالمؤمنین علیه السلام و درگوشی با حضرت علیه السلام به گفتگو پرداخت. بعد پایین آمد. هنگامی که به درب امیرالمؤمنین علیه السلام که «باب الفیل» نام‌گذاری شده رسید، ناپدید شد و مردم دیگر وی را ندیدند. پس هیچ زن و مرد مؤمنی نبودند، مگر این که گفتند این از عجائب امیرالمؤمنین علیه السلام است و هیچ زن و مرد منافقی نبودند، مگر آن که گفتند این از جادوی علی علیه السلام است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای مردم من ساحر نیستم. آن کس که دیدید، وصی محمد صلی الله علیه و آله بر جن بود و من وصی او بر انس هستم. او مطیع من است، بیشتر از آن چه شما مطیع من هستید و او جانشین من است در میان ایشان. حقیقت ماجرا آن است که جنگی در میان ایشان رخ داده که خون بسیاری در آن به هدر خواهد رفت و او برای این مشکل راه خروج و طریق پایان بخشی نیافته است. پس چاره کار را از من پرسید و من به او حکم حقیقی را گفتم. اما این که به این شکل متمثل شد، از آن جهت بود که

۱. خصیبی، حسین، الهدایة الکبری، ص ۱۵۲.

برتری من بر شما را به شما نشان دهد. او به این فضیلت از شما داناتر است.^۱

در این روایت نام افعی و یا طایفه او نیامده است. شباهت بسیار متن خبر در ارشاد القلوب دیلمی (م ۸۴۱ ق)،^۲ استفاده از الهدایة الکبری یا منبعی مشترک را قوی در نظر می‌آورد.

منبع بعدی اثبات الوصیة مسعودی (م ۳۴۶ ق) است^۳ که خبر را مرسل و با متنی متفاوت و به صورت نقل به معنا گزارش می‌کند. طبق این گزارش، گفتگوی ثعبان با امام علیه السلام برای مردم قابل فهم نبوده است و امام علیه السلام خود محتوای آن را شرح داده‌اند. امام علیه السلام در ابتدای ماجرا می‌فرمایند: «برای او راه بگشایید. به درستی که او فرستاده قومی از جنیان موسوم به بنوعامراست». در این گزارش به جای نام وی، تنها نام طایفه اش آمده است. نکته دیگر آن‌که، در این خبر اشاره‌ای به مردن پدر و وصایت او دیده نمی‌شود و پرسش ثعبان به جای بحث وصایت، درباره اختلاف دو طایفه است.

خبر ثعبان در قرن پنجم در الارشاد شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) نیز بدون ذکر طریق آمده است.^۴ گزارش شیخ مفید نیز تقریر دیگری است از ماجرای ثعبانی که در گزارش بصائر الدرجات آمده بود؛ با این تفاوت که در آن، ثعبان پس از اتمام گفتگواز جای خود حرکت کرده و در زمین فرورفته است و امام علیه السلام به خطبه ادامه داده‌اند. پس از خطبه، امام علیه السلام در پاسخ به پرسش مردم فرموده‌اند:

آن‌گونه که شما گمان می‌برید نیست. او حاکمی از حکام جن است که مسئله‌ای برای ایشان پیش آمده بود. پس به سوی من آمد تا راه حل مسئله را از من بپرسد. من هم او را پاسخ گفتم و او مرا دعای خیر کرد و رفت.

۱. همان.

۲. دیلمی، حسن، ارشاد القلوب، ۲/۲۷۸.

۳. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، ص ۱۵۳.

۴. مفید، محمد بن محمد، ارشاد، ۱/۳۴۸.



در این خبر نیز به نام ثعبان اشاره ای نشده است. برخی منابع دیگر در قرن ششم و هفتم با استناد به الإرشاد، آن را نقل کرده اند.^۱

کتاب المناقب علوی (م قرن ۵) نیز خبر ثعبان را مرسل و مشابه گزارش الهدایة الکبری با اندکی تفاوت از «[الحارث] الأعور الهمدانی عن الأصبع بن نباتة»^۲ آورده است. احتمالاً حضور حارث همدانی در این سند علت اصلی تشابه دو گزارش باشد.

در این گزارش به جای «أفعی»، تعبیر «ثعبان» مشاهده می شود. اصبع بن نباته طول ثعبان را هشتاد ذراع و به کلفتی حمار گزارش کرده که سرش به اندازه سریک شتر است. او هم چنین گفته است:

مردم با مشاهده ثعبان فرار کردند و مسجد خالی شد و امام علیه السلام دستور داد که مردم به جای خود باز گردند. اصبع می گوید: به خدا قسم من در کنار منبر ایستاده بودم و مار را دیدم که از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال می کرد، آن گونه که یکی از شما از دیگری پرسش می کند. برخی از منافقین گفتند: این از سحر علی بن ابی طالب علیه السلام است و بعضی از مؤمنان گفتند: به خدا این از دلائل امامت او است. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام از «باب الفیل» خارج شد و به مسجد بازگشت و فرمود: می دانید او که بود؟ گفتند: خدا و امیرالمؤمنین علیه السلام آگاه ترند. فرمود: او خلیفه من بر جنیان است. اختلافی در میان ایشان افتاده است که او حکمش را نمی دانست. نزد من آمد و آن حکم را از من پرسید. به خدا قسم او حق من را بهتر از شما می شناسد.

در این خبر نیز نام ثعبان و طایفه او معرفی نشده است.

ابن عبدالوهاب (م قرن ۵)، در عیون المعجزات نقل این خبر را با عبارت بالإسناد یرفعه إلی الصادق علیه السلام عن أبیه عن آبائه علیهم السلام قال: کان

۱. رک: فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین، ص ۱۱۹؛ طبرسی، فضل بن حسن،

اعلام الوری، ۳۵۲/۱؛ شامی، یوسف، الدر النظیم، ص ۳۰۳.

۲. علوی، محمد بن علی، مناقب، ص ۸۶، ح ۱۶.

امیرالمؤمنین علیه السلام یخطب فی یوم الجمعة علی منبر الکوفة إذ سمع وحیة عدو الرجال یتواقعون بعضهم علی بعض

آغاز می‌کند.^۱ اگرچه بخش نخست این طریق، از مرفوع بودن آن حکایت دارد، اما واژه «بالإسناد» در ابتدای سند نشان می‌دهد که مؤلف، آن را از کتاب الأنوار که در دو گزارش قبل، از آن حدیثی نقل کرده بود، اخذ کرده است. ظاهراً منظور از آن، الأنوار فی تاریخ الأئمة علیهم السلام اثر محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶ ق) باشد.^۲ ادامه طریق نشان می‌دهد که باید راوی ماجرا را امام حسین علیه السلام در نظر گرفت که آن را از سایر اخبار ممتاز می‌کند. تشابه محتوای این گزارش با دیگر نقل‌ها نیز فراوان است. از جمله نکات ویژه در این خبر آن‌که، امیرالمؤمنین علیه السلام پس از پرسش از دلیل مهمه مردم و با شنیدن پاسخ آنها فرمودند: «لا یقرّبته أحد منکم فطروا له فإنه رسول جاء فی حاجة». نکته مهم در این گزارش، تصریح به نام ثعبان عظیم، یعنی «الذرجان بن مالک» و این‌که او خلیفه امام علیه السلام بر جنیان مسلمان است، می‌باشد.

منبع بعدی نقل خبر ثعبان بشارة المصطفی اثر طبری امامی (م ۵۲۵ ق) است. مؤلف در طریق خبر آورده است:

و بالإسناد [محمد بن علی عن أیبه عن جده عبدالصمد عن الصدوق عن جماعة] قال: حدثونا عن المرضیة عن العباس بن محمد عن سلام بن سالم عن جابر [بن یزید] الجعفی عن جعفر بن محمد علیه السلام.^۳

علامه مجلسی واژه «بالإسناد» را به شکلی که در قلاب آورده‌ایم، تبیین کرده است.^۴ متن بشارة المصطفی تقریباً ترکیبی از متن بصائر الدرجات و الإرشاد با اندکی تفاوت است؛ یعنی واقعه در اثنای خطبه رخ داده، سپس امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از

۱. ابن عبدالوهاب، حسین، عیون المعجزات، ص ۱۳.

۲. رک: همان، ص ۱۲؛ نجاشی، احمد بن علی، فهرست، ص ۳۸۰، ش ۱۰۳۲.

۳. طبری، محمد بن علی، بشارة المصطفی، ص ۱۶۴.

۴. رک: مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۳۹/ ۲۴۹، ح ۱۴.

پرسش مردم، گفتار ثعبان را شرح داده‌اند. امام علیه السلام فرموده‌اند:

او گفت: من وصی و فرستاده جنیان به سوی توهستم. جنیان می‌گویند، اگر مردمان تو را همانند ما دوست بدانند و همانند ما از تو اطاعت کنند، خداوند هیچ‌یک از انسان‌ها را به آتش جهنم عذاب نخواهد کرد.

در این خبر نیز به نام ثعبان اشاره‌ای نشده است.

خبر ثعبان در الفضائل، اثر شاذان بن جبریل (م ۶۶۰ ق)، مرسل است، اما شباهت بسیار زیادی با گزارش عیون المعجزات دارد. بنابراین احتمال نقل از این منبع یا احتمال استفاده از منبعی مشترک قوی به نظر می‌رسد. اختلافات جزئی موجود در این دو منبع، در سطح نسخه بدل ارزیابی می‌شود. نام ثعبان در این اثر نیز «درجان بن مالک» ضبط شده است.^۱

باید پذیرفت که گزارش العقد النضید و الدر الفرید اثر قمی (م قرن ۷)، حاوی پیراسته‌ترین سند و متن در میان منابعی است که خبر ثعبان را گزارش کرده‌اند. این گزارش شباهت بسیار زیادی با روایت عیون المعجزات حتی در نقل از امام حسین علیه السلام دارد. بنابراین به احتمال، مرجع این دو اثر به یک منبع ختم می‌شود. ویژگی برجسته این گزارش، طریق آن است. با آن که سند موجود در این منبع از جهتی مشابه عیون المعجزات قلمداد می‌شود، اما از جهتی دیگر، متفاوت است. این اختلاف در شروع سند با نام أبان بن تغلب است که خود، مؤلف یکی از آثار موسوم به الفضائل است.^۲ بر این اساس، احتمال نقل خبر از کتاب او - با واسطه یا بی واسطه - قوی به نظر می‌رسد. به دلیل امتیاز این نقل، متن کامل آن گزارش می‌شود:

عن أبان بن تغلب الكندي عن جعفر بن محمد الصادق عن أبيه عن جده الحسين عليه السلام قال: كان أمير المؤمنين عليه السلام يخطب في يوم الجمعة على منبر الكوفة إذ سمع وجبة عظيمة و عدو الرجال يتواقون بعضهم

۱. قمی، شاذان، الفضائل، ص ۷۰.

۲. رک: نجاشی، احمد بن علی، همان، ص ۱۱، ش ۷.

على بعض . فقال لهم: ما لكم؟ قالوا: يا أمير المؤمنين، ثعبان عظيم قد دخل من باب المسجد، ونفزع منه فتريد أن نقتله . فقال عليه السلام: لا تقربته أحد منكم . طرّفوا له فإنه رسولٌ جاء في حاجة . فطرّفوا له فما زال يتخلّل [الصفوف] حتى صعد المنبر، فوضع فاه في أذن أمير المؤمنين عليه السلام فنقّ في أذنه نقيقاً و تطاول و أمير المؤمنين عليه السلام يحرك رأسه . ثم نقّ أمير المؤمنين عليه السلام له بمثل نقيقه و نزل عن المنبر و سار بين الجماعة . فالتفتوا فلم يروه . فقالوا: يا أمير المؤمنين، ما هذا الثعبان؟ فقال عليه السلام: هذا درجان بن مالك، خليفتي على الجنّ المسلمين، و ذلك أنهم اختلفوا في أشياء فأنفذوه علي، و قد جاء و سألني عنها، و أخبرته بجواب مسائله فرجع^١.

همانگونه که ملاحظه می شود، در این گزارش نیز نام ثعبان «درجان بن مالک» ضبط شده است .

شرح احقاق الحق خبر ثعبان را از کتاب مخطوط در بحر المناقب، اثر حنفی موصلی (ابن حسنیوه) (م ۶۸۰ ق) به شیوه مرسل از امام صادق از پدرش از امام حسین علیه السلام نقل کرده است.^۲ متن خبر در این اثر نیز بسیار مشابه گزارش عیون المعجزات با اندکی تفاوت است؛ برای نمونه، از اندازه ثعبان، «کأنه نخلة» تعبیر شده است .

در این میان، گزارش حافظ رجب بُرسی (م ۸۱۳ ق) از ماجرای ثعبان با دیگر گزارش ها ناهمگن است . علی رغم نقل خبر از ابن شاذان از ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام در مشارق، محتوای گفتگوی امیرالمؤمنین علیه السلام با ثعبان، با هیچ یک از گزارش های دیگر همخوانی ندارد . گذشته از چگونگی بیان ورود و خروج ثعبان به مجلس خطابه، در این روایت ثعبان از کشته شدن فرزندش -که ظاهراً به شکل مار بوده - به دست یکی از انصار به نام جابر بن سبیع خبر می دهد . سپس می گوید از خون فرزندش گذشته است . شخصی بلند قامت از

۱ . قمی، محمد بن حسن، العقد النضید، ص ۲۰ .

۲ . مرعشی، شهاب الدین، شرح احقاق الحق، ۸ / ۷۳۳ .

میان جمعیت خود را قاتل مار در مکان یادشده معرفی می‌کند و نکاتی را دربارهٔ چگونگی و محل قتل آن مار یادآور می‌شود.

۲. دسته‌بندی و ارزیابی اخبار

پس از نقل روایات و سیرتطور این خبر، ضروری است متن گزارش‌های موجود در منابع گوناگون دسته‌بندی و نسبت آنها با همدیگر سنجیده شود تا بهتر بتوان آنها را ارزیابی کرد.

۲-۱. دسته‌بندی اخبار

مجموع این گزارش‌ها را می‌توان در چهار گروه جای داد. در حقیقت این تقسیم به روایان خبرثعبان و تفاوت گزارش ایشان بازمی‌گردد.

گروه اول متونی است که از طریق جابر بن یزید از امام باقر علیه السلام روایت شده‌اند. گزارش بصائرالدرجات، الکافی و بشارة المصطفی در این گروه جای دارند؛ با این تفاوت که راوی از جابر در دو منبع نخست، عمرو بن شمر و در بشارة المصطفی سلام بن سالم است. گزارش شیخ مفید در الإرشاد نیز مرسل است. اما به دلیل شباهت بسیار زیاد، می‌توان آن را نیز در این گروه جای داد.

گروه دوم از طریق حارث همدانی روایت شده‌اند. در الهدایة الکبری حارث خود، ماجرا را روایت می‌کند، اما در المناقب علوی، حارث خبر را از زبان اصبع بن نباته نقل کرده است. به دلیل شباهت بسیار، می‌توان این دو گزارش را در یک گروه جای داد.

گروه سوم از طریق امام صادق علیه السلام از پدرانش، از امام حسین علیه السلام روایت شده‌اند. عیون المعجزات، العقد الفرید، درّ بحر المناقب در این گروه جای دارند؛ با این تفاوت که عیون المعجزات و درّ بحر المناقب بدون سند از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند، اما العقد الفرید آن را از ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند. گزارش الفضائل اثر شاذان قمی نیز مرسل است، اما به دلیل شباهت بسیار زیاد متن آن با روایت عیون المعجزات، می‌توان آن را نیز در این گروه جای داد.

گروه چهارم، گزارش‌های ناهمگون با دیگر روایات است. روایت اثبات الوصیة اثر مسعودی به شیوه ارسال است که با توجه به اختلاف متن، می‌توان آن را نقل به معنا در نظر گرفت. احتمالاً گزارش مشارق را نیز به دلیل ناهمخوانی باید در این گروه جای داد.

با کنارهم قراردادن اخبار، روشن می‌شود که اختلاف موجود در آنها در چهار محور است: ۱- عکس العمل مردم هنگام مشاهده ثعبان؛ ۲- نام ثعبان؛ ۳- شیوه ناپدید شدن ثعبان؛ ۴- محتوای گفتگوی ثعبان با امام علیه السلام.

۲-۲. بررسی متون خبر

از اختلاف موجود در متن گزارش‌ها، به اضطراب در متن تعبیر می‌شود که سبب کاهش اعتماد به اصل گزارش است. اما از اشتراکات موجود در آنها، به تعاضد معنوی تعبیر می‌شود که اصل ماجرا را اثبات می‌کند، ولی نمی‌توان در جزئیات بر آنها اعتماد کرد.

حال گوئیم، جز خبر مشارق که به دلیل تاریخ متأخر و تفاوت فاحش با دیگر گزارش‌ها از آن صرف نظر می‌کنیم، در بخش قابل توجهی از گزارش‌های خبر ثعبان، هم پوشانی مفهومی مشاهده می‌شود و می‌توان آنها را مکمل هم دانست. به عبارت دیگر، بیشتر آنها مثبت یکدیگرند و تعارضی در کار نیست. این هم پوشانی در بخش گزارش مفاد گفتگوی امیرالمؤمنین علیه السلام با ثعبان آشکار است.

برای نمونه، ثعبان در گزارشی از جانشینی خودش به جای پدر پرسیده است، اما در گزارش دیگر، او از عاملی که ممکن بود سبب هدر رفتن خون بسیاری شود، می‌پرسد. هم‌چنین در خبری پاسخ مسئله‌ای را می‌پرسد، اما در خبر دیگر از اختلافی میان جنیان می‌پرسد که او حکمش را نمی‌داند. با فرض پذیرش اخبار، احتمالاً این عوامل یکی بیش نبوده‌اند؛ یعنی نزاع بر سر جانشینی، عامل بروز اختلاف و سؤال اصلی بوده است.

دقت در متون گزارش‌ها نشان می‌دهد که به جز نام ثعبان، در سایر اختلافات، تنافی و تعارضی وجود ندارد؛ بلکه راویان، هر یک بخشی از آن چه رخ داده را روایت

کرده‌اند؛ برای نمونه در شرح عکس‌العمل مردم، طبیعی است که عده‌ای از درب مسجد فرار کرده و برخی به دو گوشه مسجد رفته باشند. البته برخی با شجاعت در صدد کشتن آن مار بزرگ برآمده‌اند. هم چنین در گزارش چگونگی ناپدید شدن ثعبان، هریک از زاویه دید خود و یا برداشت خود، آن را بیان کرده‌اند.

تنها بخش غیرقابل جمع در این اخبار، نام ثعبان یعنی «عمر بن عثمان» و «درجان بن مالک» است. حتی نام قبیله او نیز قابل پذیرش است. تشابه نام یکی از اوایان با نام ثعبان یعنی «عمرو بن عثمان» در بصائر الدرجات و الکافی را می‌توان نشانه وجود خطای عمدی یا سهوی نساخ در این دو خبر دانست.

«درجان» و «درجان بن مالک» که ظاهراً نام جنی از جنیان بوده، در دو خبر دیگر غیر مرتبط با این ماجرا نیز آمده است. یکی از آنها به ماجرای بازمی‌گردد که در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رخ داده و در آن پیامبر صلی الله علیه و آله با فراخواندن این جن، از او خواسته است تا بساط (قالیچه) حضرت سلیمان علیه السلام را بیاورد.^۱ ماجرای دوم نیز درباره مردی علاقه‌مند به اهل بیت علیهم السلام از اهل شام است که از امام باقر علیه السلام می‌خواهد تا او را برای رسیدن به اموال مدفون پدر در گذشته‌اش یاری دهد. امام علیه السلام او را به «درجان بن مالک»، که از جنیان است، ارجاع می‌دهد. او پدر را حاضر می‌کند و فرد شامی با پرسش از پدر، به پاسخش دست می‌یابد.^۲

بررسی ارتباط ناقلاخبار مرتبط با وقایع مختلف که نام «درجان» در آنها آمده است، نیاز به تحقیق بیشتری دارد، اما احتمال وجود هماهنگی بین آنها در جعل این نام در اخبار مختلف، بعید به نظر می‌رسد. بنابراین احتمال درستی این نام در خبر ثعبان قوت می‌یابد.

۱. رک: ابن عبد الوهاب، حسین، عیون المعجزات، ص ۱۴؛ بحرانی، هاشم، مدینه المعاجز، ۱۷۹/۱، ح ۱۰۷، به نقل از عیون المعجزات.

۲. رک: فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین، ۲۰۵/۱؛ ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، الثاقب فی المناقب، ص ۳۷۱؛ قطب الدین راوندی، سعید، الخرائج و الجرائح، ۵۹۸/۲؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، ۱۹۴/۴؛ عاملی نباطی، علی، الصراط المستقیم، ۱۸۴/۲.

۲-۳. ارزیابی اسناد

مؤلفان برخی از منابع که خبر ثعبان را نقل کرده‌اند، از بزرگان امامیه و مورد اعتماد بوده‌اند. صفار، کلینی، شیخ مفید و عمادالدین طبری، از برجستگان آنها به شمار می‌روند.

نجاشی (م ۴۵۰ ق) از رجالیان و کتاب‌شناسان امامیه، خصیبه مؤلف کتاب الهدایة الکبری را «فاسد المذهب» می‌داند.^۱ ابن غضائری (م ۴۵۰ ق) دیگر رجالی معاصر نجاشی، وی را با عبارت «کذاب فاسد المذهب صاحب مقالة ملعونة لا يلتفت إليه»^۲ ضعیف می‌شمرد. به احتمال، این تضعیف‌ها به ارتباط وی با فرقه نصیری و رهبران، محمد بن نصیر نمیری بازمی‌گردد.

علوی مؤلف المناقب، ابن عبدالوهاب مؤلف عیون المعجزات، قمی مؤلف العقد الفرید و حنفی موصلی (ابن حسنیوه) مؤلف درّ بحر المناقب مؤلفانی ناشناخته‌اند. راجع به مسعودی مؤلف اثبات الوصیة نیز توثیق چندانی در دست نیست. در سند بصائر الدرجات و به دنبال آن الکافی، آمده است:

حدثنا إبراهيم بن هاشم عن عمرو بن عثمان [الخرزازی] عن إبراهيم بن أيوب عن عمرو بن شمر عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام.

در این سند جز دو نفر، سایر ناقلان معتبرند. عمرو بن شمر متهم به غلو است و نجاشی و ابن غضائری به شدت او را تضعیف کرده‌اند.^۳ حتی اگر از اتهام غلو و ضعف وی - به دلیل نقل روایات بسیار از او در منابع حدیثی - اغماض کنیم، اطلاعی از ابراهیم بن ایوب در دست نیست.

متأسفانه با آن‌که متن الإرشاد شیخ مفید مشابه بصائر الدرجات است، اما بدون سند است. بنابراین ممکن است خبر از بصائر الدرجات یا منبعی دیگر نقل شده باشد.

۱. نجاشی، احمد بن علی، فهرست، ص ۶۷، ش ۱۵۹.

۲. ابن غضائری، احمد بن حسین، رجال، ص ۵۴.

۳. رک: نجاشی، احمد بن علی، همان، ص ۱۲۸ و ۲۸۷، ش ۷۶۵؛ ابن غضائری، احمد بن حسین، همان، ص ۷۴.

در سند گزارش بشارة المصطفی نیز آمده است:

و بالإسناد قال: حدثونا عن المرضیة عن العباس بن محمد عن سلام بن سالم عن جابر الجعفی عن جعفر بن محمد علیه السلام.
اگرچه متن این خبر قابل قبول تراست، اما مرضیه، عباس بن محمد (احتمالاً: بن حاتم الدوري، توثیق شده در رجال اهل سنت) و سلام بن سالم (احتمالاً: هشام بن سالم) ناشناخته اند.

در سند خبر الهدایة الكبرى آمده است:

عنه [الحسین بن حمدان] عن أبيه [حمدان بن الخصیب] عن محمد بن میمون عن محمد بن علی عن الحسن بن أبی حمزة عن القاسم [بن الولید] الهمدانی عن الحارث الأعور الهمدانی^۱.
بحرانی نیز این سند را با اندکی تفاوت گزارش کرده است.^۲

در این سند، از محمد بن میمون ناشناس، در برخی منابع با عنوان «محمد بن میمون الخراسانی» یاد شده است. احتمال اتحاد او با ابوالحسن محمد بن حسن بن میمون از معاصران امام عسکری علیه السلام وجود دارد.^۳ محمد بن علی نیز ناشناخته است. حسن بن ابی حمزه که از وی به حسین بن ابی حمزه نیز یاد می شود، مؤلف کتابی است که ابن ابی عمیر آن را روایت کرده است.^۴ او از راویان از امام صادق علیه السلام است. وی در کتاب کشی، توثیق نیز شده است.^۵ از قاسم بن ولید همدانی نیز اطلاعی در دست نیست.

در المناقب، اثر علوی نیز سند به شیوه مرسل «عن الأعور الهمدانی، عن الأصبغ بن نباتة» آمده است. اصبغ بن نباتة از یاران خاص امیرالمؤمنین علیه السلام به شمار می رود.

۱. خصیبی، حسین، الهدایة الكبرى، ص ۱۵۲.

۲. رک: بحرانی، هاشم، مدینة المعاجز، ۳/ ۱۷۲، ح ۸۱۶.

۳. رک: طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ۲/ ۸۱۵، ش ۱۰۱۸.

۴. رک: همو، فهرست، ص ۱۴۴، ش ۲۱۴.

۵. همو، اختیار معرفة الرجال، ۲/ ۷۰۷، ش ۷۶۱.

وی راوی عهدنامه مالک اشتر و وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش محمد بن حنفیه نیز بوده است.^۱

فقط سند موجود در العقد النضید، وضعیت بهتری دارد؛ به خصوص که متن آن نیز پیراسته و قابل پذیرش تراست. در این سند آمده است:

عن أبان بن تغلب الكندي عن جعفر بن محمد الصادق عن أبيه عن جده الحسين علیه السلام قال: كان امير المؤمنين علیه السلام

راوی این خبر یعنی ابان بن تغلب، مؤلف اثری به نام الفضائل و از محدثان بزرگ امامیه است.^۲ بنابراین احتمال نقل با واسطه یا بی واسطه خبر از اثر وی، قوی به نظر می‌رسد. متأسفانه طریق مؤلف تا ابان و شیوه دسترسی اش به این خبر، گزارش نشده است. پس قابل اعتبارسنجی نیست. با این حال، بررسی متن و مقایسه آن با سایر متون، نشان از قوام و استحکام آن دارد.

اخبار ثعبان در درّ بحر المناقب، الفضائل و اثبات الوصیه، همگی مرسل اند. بنابراین ارزیابی طرق آنها ممکن نیست.

از نکات پیش گفته روشن می‌شود که برخی از مؤلفان، از وثاقت کامل برخوردارند، اما برخی ناشناس اند یا اطلاعات اندکی از ایشان در دست است. هم چنین در برخی اسناد، راویان ضعیف یا مجهول حضور دارند. اخبار دیگر نیز به شیوه مرسل گزارش شده‌اند.

ذکر این نکته ضروری است که ناشناخته بودن راوی همواره به معنای ضعف وی نیست، اما برای سند حدیث، ضعف به شمار می‌آید؛ زیرا امکان داوری درباره آنان وجود ندارد. بنابراین باید به شیوه متداول در اعتبارسنجی احادیث، همه این اسناد را ضعیف یا غیرمعتبر انگاشت.

از مجموع اطلاعات موجود درباره منابع و طرق خبر ثعبان چنین استنباط می‌شود

۱. رک: نجاشی، احمد بن علی، فهرست، ص ۸، ش ۵؛ طوسی، محمد بن حسن، فهرست، ص ۸۸، ش ۱۱۹.

۲. رک: نجاشی، احمد بن علی، همان، ص ۱۱، ش ۷.

که اثبات درستی خبر، دشوار به نظر می‌رسد؛ اما با رویکرد گردآوری شواهد و قرائن در اعتبارسنجی اخبار، احتمال پذیرش خبر ثعبان وجود دارد.

علامه مجلسی در *مرآة العقول* مضمون حدیث را متواتر می‌داند.^۱ علامه شعرانی نیز ضعف اسناد را به دلیل فراوانی طرق، جبران شدنی دانسته است.^۲ با این رویکرد، ذکر منابع مختلف و گزارش از طرق متفاوت به ضمیمه پذیرش بزرگان امامیه که برخی از آنها به مباحث عقلی تمایل بیشتری دارند، نشانه قابل اعتماد بودن خبر ثعبان است؛ مشابه آن چه در مباحث فقهی از آن با عنوان جبران ضعف اسنادی خبر به واسطه شهرت یا عمل اصحاب یاد می‌شود.

علاوه بر این شواهد، بیان خبر ثعبان در بیشتر منابع برجای مانده، به شیوه‌ای است که پدیدآورندگان آنها درستی خبر را مفروض انگاشته‌اند و خود را از ارائه طریق، بی‌نیاز دیده‌اند. چه بسا اگر بر بیان ناقلان این گزارش اهتمام بیشتری می‌ورزیدند، مشکل پدیدآمده در طریق به شکلی محسوس کاهش می‌یافت.

۳. شواهد بیرونی خبر ثعبان

گزارش منابع متعدد غیرمرتبط با یکدیگر، تعدد طرق و پراکندگی راویان مرتبط با ادوار مختلف تاریخ، احتمال حرکتی سازمان‌یافته در جهت جعل این خبر را تضعیف می‌کند. از سوی دیگر، توجه به شواهد بیرونی و پذیرش بزرگان، تا حدودی می‌تواند ضعف موجود در اسناد خبر ثعبان را جبران کند و احتمال وقوع رخداد را افزایش دهد.

۳-۱. مخاطب الثعبان

لیثی واسطی (م قرن ۶) در *عیون الحکم و المواعظ* بدون ذکر منبع، بخشی از انتهای نامه‌ای که امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به معاویه نگاشته را آورده است. امام علی علیه السلام در بخشی از این نامه، در معرفی خود فرموده‌اند:

۱. مجلسی، محمدباقر، *مرآة العقول*، ۴/ ۲۹۵.

۲. مازندرانی، محمد صالح، *شرح اصول الکافی*، ۶/ ۳۹۱.

... أنا مکلم الذئب. أنا مخاطب الثعبان علی منبرکم بالأمس. أنا صاحب

ليلة الهرير...^۱

حائری یزدی (م ۱۳۲۳ ق) در الزام الناصب از کتاب الدر المنتظم فی السرا الأعظم اثر محمد بن طلحه شافعی (م ۶۵۴ ق) - خطیب دمشق و مؤلف کتاب مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول علیهم السلام - نقل می‌کند که امام علی علیه السلام در خطبه موسوم به «البيان» فرموده‌اند: «... أنا مخاطب الأموات أنا مکلم الثعبان أنا آلاء الرحمن...»^۲. یزدی در گزارش خود از نسخه‌ای دیگر از خطبه بیان نیز، بدون ذکر منبع، این عبارت را با اندکی اختلاف نقل کرده است.^۳

در برخی زیارات امیرالمؤمنین علیه السلام که به ائمه علیهم السلام منسوب‌اند نیز بر مخاطب قرار دادن ثعبان تأکید شده است؛ برای نمونه، ابن مشهدی (م ۶۱۰ ق) در کتاب المزار الکبیر از محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام، شیوه زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام را روایت می‌کند:

... السلام علیک یا من خاطب الثعبان و ذئب الفلا، السلام علیک یا
أمیرالمؤمنین و رحمة الله و بركاته.^۴

این مشهدی در زیارتی دیگر نیز آورده است:

... السلام علی مخاطب الثعبان علی منبر الکوفة بلسان الفصحاء.
السلام علی مکلم الذئب فی الفلا.^۵

سید بن طاوس (م ۶۶۴ ق) نیز در کتاب الإقبال، زیارتی مشابه زیارت نخست را از محمد بن مسلم روایت کرده است.^۶ این زیارت در المزار، اثر شهید اول نیز دیده می‌شود.^۷

۱. لیثی، علی، عیون الحکم، ص ۱۶۷، ح ۳۵۲۷-۳۵۲۵.

۲. حائری یزدی، علی، الزام الناصب، ۱۹۵/۲.

۳. همان، ۱۷۴/۲.

۴. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، ص ۲۰۷.

۵. همان، ص ۲۵۷.

۶. ابن طاوس، احمد بن موسی، اقبال الأعمال، ۶۰۹/۲.

۷. عاملی، محمد بن مکی، المزار، ص ۹۲.

برای تأیید کلی ماجرای ثعبان می‌توان به روایات فراوانی که در منابع مختلف آمده است، اشاره کرد. در این روایات، حضور جنینان نزد پیامبر ﷺ و خدمتگزاری ایشان برای اهل بیت علیهم‌السلام و برخی مشاهدات شیعیان در این باره، گزارش شده‌اند.^۱ علاوه بر آن، برخی شعرا نیز اشعاری را در این باره سروده‌اند. این اشعار در آثار تاریخی به عونی (م ۳۵۰ ق)، دعبل خزاعی (م ۲۴۶ ق)، ابن علویه (م ۳۲۰ ق)، صنوبری (م ۳۳۴ ق)، ابن حجاج (م ۳۹۱ ق) و ابن عضدالدوله (م قرن ۴ ق)، ابن مکی (م ۵۰۱ ق) و برخی دیگر منسوب شده‌اند.^۲

با توجه به شواهد گفته‌شده، می‌توان اشارات موجود در احادیث و زیارات غیر مرتبط با ماجرای ثعبان و سرودن اشعاری از سوی شاعران را قرینه‌های بیرونی برای اثبات درستی اصل این ماجرا دانست.

۲-۳. مخالفت خبر با عقل

گذشته از شواهد درونی و بیرونی مرتبط با خبر ثعبان، نخستین پرسشی که درباره این ماجرا به ذهن می‌رسد، آن است که آیا این خبر مخالف عقل نیست؟ در افواه و اذهان برخی اهل تحقیق چنین شهرت یافته که در احادیث معتبر آمده است: «ما خالف العقل فاضربوه علی الجدار».

علی‌رغم جستجوی فراوان، چنین حدیثی در منابع یافت نشد. بنابراین نمی‌توان آن را تأیید کرد. آنچه در منابع حدیثی آمده، درباره احادیث مخالف با قرآن است که در آنها این تعابیر دیده می‌شود: «فَدَعُوهُ»، «فَهُوَ زُخْرُفٌ»، «فَلَمْ أَقُلْهُ».^۳ بنابراین حتی در احادیث مخالف کتاب نیز تعبیر «فاضربوه علی الجدار» نیامده است.

۱. برای نمونه رک: صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۹۵-۱۰۳؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/۳۹۴-۳۹۷؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، ۲/۲۴۸-۲۵۲.

۲. رک: ابن عبد الوهاب، حسین، عیون المعجزات، ص ۱۲؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، همان، ۲/۳۰۴، ۳۱۳ و ۳/۲۹۲؛ عاملی نباطی، علی، الصراط المستقیم، ۱/۹۶.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/۶۹.

البته این تعبیر در عبارات بزرگان علم بسیار تکرار شده است.^۱ به نظر می‌رسد آن چه خلاف عقل تلقی می‌شود، در مجموعه بدیهیاتی جای دارد که عقل آنها را مستقیماً درک می‌کند یا با استناد به آموزه‌ها و قواعد قطعی - اعم از دینی یا تجربی - غیرقابل پذیرش ارزیابی می‌کند. در یکی از روایات، به صراحت این برداشت تأیید شده است.^۲ هم چنین ائمه علیهم‌السلام به پیروانشان سفارش فرموده‌اند، از شتاب‌زدگی در داوری اخبار بر حذر باشند و در احادیثِ ناشناس، به ائمه علیهم‌السلام مراجعه کنند یا علم آن را به ایشان علیهم‌السلام واگذارند.^۳

گذشته از آن که ممکن است در استنتاجات عقل، آفاتی چون تعصبات و هواهای نفسانی راه یابد، برخی از آموزه‌های دینی را باید فراعقلی دانست. این آموزه‌ها واقعیاتی والاتر و برتر از سطح تعقل بشری هستند.^۴

بنابراین در مباحث نظری، کرامات، خوارق عادات یا معجزات، انکار و ادعای مخالفت با عقل آسان نیست؛ به خصوص اگر گزارش آن از جهت اسنادی از استحکام کافی برخوردار باشد. در هر حال لازم است با توسل به شواهد و قرائن اطمینان آور، برای نزدیکی آن به اثبات یا رد تلاش کرد. در غیر این صورت باید همه کرامات اولیای الهی، مناقب ائمه علیهم‌السلام و معجزات انبیا علیهم‌السلام را یکسره به کناری نهاد و انکار کرد.

وجود عقل‌گرایانی چون شیخ مفید و علامه حلی در مجموعه ناقلان و پذیرندگان خبرتعبان، مخالفت آن با عقل را به چالش می‌کشد؛ زیرا نقل محدثان و تأیید صاحب نظران، نشان می‌دهد که آنها نه تنها خبرتعبان را خلاف عقل پنداشته‌اند، بلکه آن را باور کرده‌اند.

علامه شعرانی در پاورقی شرح ملاصالح مازندارنی بر اصول الکافی، با اشاره به

۱. برای نمونه رک: میرزای قمی، ابوالقاسم، قوانین الأصول، ص ۳۱۰.

۲. صفار، محمد بن حسن، همان، ص ۵۳۷، ح ۳.

۳. برای نمونه رک: کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۴۰۱/۱، ح ۱.

۴. رک: مسعودی عبدالهادی، وضع و نقد حدیث، ص ۲۶۱-۲۶۷.

اختلاف گزارش می‌گوید:

وليس في المضمون المشترك بين الروايات أمر ممتنع عقلاً خصوصاً
رواية المفيد في الإرشاد فإن بناءه على رواية ما أيد بالقرائن من
المعجزات العجيبة الخارقة للعادة لأئمة المؤمنين عليهم السلام.^۱
وی هم چنین با استناد به کتاب و سنت، بر علم به وجود جن و مکالمه و تمثّل
ایشان تأکید می‌کند. بر این اساس می‌توان عقلاً داخل شدن مار و سخن گفتن با
ولی خدا صلی الله علیه و آله را در مجموعه اخبار باورپذیر جای داد.

۳-۳. باب الثعبان یا باب الفیل

در نام‌گذاری یکی از درب‌های مسجد کوفه اختلافی در گزارش‌ها دیده می‌شود.
علامه مجلسی در بیان فضیلت مسجد کوفه می‌نویسد:

بدان که در زمان ما دو درب برای مسجد در مقابل هم قرار دارد... آن دربی
که پشت به قبله است همان «باب الثعبان» مشهور به «باب الفیل» است.^۲
بر اساس این گفتار، درب مورد نظر دارای دو نام بوده است. بنابراین باید برای این
دو نام‌گذاری، مناسبت و مستندات تاریخی جستجو کرد.

محمد بن حسن قمی (م قرن ۷) در انتهای گزارش ماجرای ثعبان می‌نویسد:

از این رو کوفیان دری که ثعبان از آن وارد شد را «باب الثعبان» نامیدند.
سپس بنی‌امیه بر آن شدند که این فضیلت را خاموش کنند. پس فیلی را
مدتی طولانی بر این درب گماشتند تا به «باب الفیل» نامیده شود.^۳
این مطلب را علامه حلی نقل و تأیید کرده است.^۴

محمد تقی مجلسی نیز در توجیه تغییر نام این درب به «باب الفیل»، می‌نویسد:

آن در، مسمی شد به باب الثعبان مثل خانه بیت الطشت که در مسجد

۱. مازندرانی، محمد صالح، شرح اصول الکافی، ۶/۳۹۱.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۹۷/۴۰۶.

۳. قمی، محمد بن حسن، العقد النضید، ص ۲۱.

۴. حلی، حسن بن یوسف، منهج الکرامه، ص ۱۷۳.

کوفه است و چون بنی‌امیه حکومت یافتند، فیلی را در همان در بستند که شهرت کند به باب الفیل و کسی نگوید باب الثعبان؛ مبدا گویند که چرا باب الثعبان می‌گویند و این معجزه بماند و از این باب بسیار است.^۱ با کاوش در منابع، غیر از ماجرای ثعبان، کاربرد «باب الثعبان» دیده نشد. در متن دو گزارش حارث همدانی (م ۶۵ ق) آمده بود: «إذ أقبلت أفعى من ناحية باب الفيل»^۲ و «ثم خرج أمير المؤمنين من باب الفيل».^۳ هم چنین در گزارش الخرائج و الجرائح راوندی (م ۵۷۳ ق) بدون یادکرد از نام راوی آمده است: «إذ أقبلت حية من باب الفيل».^۴ با توجه به تاریخ وفات حارث، زمان گزارش او که از آن درب به «باب الفیل» یاد می‌کند، فاصله چندانی با زمان رخداد ندارد.

شواهد بسیاری نیز برای کاربرد «باب الفیل» در اعصار بعدی در دست است؛ برای نمونه، ابومخنف (م ۱۵۸ ق) در گزارش خود پیرامون ماجرای مسلم بن عقیل (ش ۶۰ ق) از این درب به «باب الفیل» نام می‌برد و درباره آمدن مختار می‌گوید: «حتى انتهى إلى باب الفيل بعد الغروب... فلما كان المختار على باب الفيل مر به...».^۵

ابوحمره ثمالی (م ۱۵۰ ق) در نقل ماجرای اولین ملاقات خود با امام سجاد علیه السلام می‌گوید: «امام علیه السلام را مشاهده کردم که از "باب الفیل" وارد مسجد شد».^۶ این دو نمونه، استعمال این نام در آن عصر را به اثبات می‌رساند.^۷

از محققان اهل سنت، بلاذری (م ۲۷۹ ق) در فتوح البلدان وجه قابل‌پذیرشی برای نام‌گذاری به «باب الفیل» آورده است. او از یحیی بن سلمة بن کهیل حضرمی از برخی مشایخ کوفه نقل می‌کند:

۱. مجلسی، محمدتقی، لوامع صاحبقرانی، ۳۸۳/۷.

۲. خصیبی، حسین، الهدایة الكبرى، ص ۱۵۲.

۳. علوی، محمد بن علی، مناقب، ص ۸۶، ح ۱۶.

۴. قطب‌الدین راوندی، سعید، الخرائج و الجرائح، ۱/۱۸۹.

۵. رک: ابومخنف، لوط بن یحیی، وقعة الطف، ص ۱۳۱.

۶. رک: کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲۵۵/۸، ح ۳۶۳.

۷. نیز، رک: ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ۲۵۲/۶؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان،

۲۸۱/۸، ح ۴۲۱؛ ابن‌شاذان، فضل، الايضاح، ص ۷۰.

هنگامی که مسلمانان مدائن را فتح کردند، فیلی را در آن جا یافتند. این در حالی بود که تا پیش از آن، هر فیلی را که می یافتند به قتل می رساندند. بنابراین نامه‌ای به عمر نگاشتند و درباره آن فیل از عمر کسب تکلیف کردند. عمر در پاسخ ایشان نوشت که اگر برای آن خریداری یافتید، آن را بفروشید. پس مردی از اهل حیره آن را خرید و نزد او بود و مردم آن را می دیدند. مرد بر او جُل پوشاند و با آن فیل به گردش در آبادی‌ها می پرداخت. مدتی فیل نزد او بود تا آن که أم‌ایوب، دختر عمارة بن عقبه بن اُبی معیط، همسر مغیره بن شعبه که پس از مغیره، زیاد او را به همسری برگزید، دوست داشت آن فیل را تماشا کند و آن زمان در خانه پدرش بود. پس فیل را آوردند و آن را جلوی درب مسجد که امروزه آن را باب الفیل می نامند، نگاه داشتند و او فیل را تماشا می کرد. أم‌ایوب به صاحب فیل چیزی بخشید و او را روانه کرد. هنوز فیل قدمی بیش برنداشته بود که افتاد و مُرد. به همین خاطر آن درب را باب الفیل نام نهادند.^۱

در این گزارش نامی از «باب الثعبان» در میان نیست. بلاذری چند وجه دیگر نیز برای نام‌گذاری این درب به «باب الفیل» بیان می کند، اما خودش وجه فوق را ترجیح می دهد. این وجه با وجهی که برای نام‌گذاری درب به «باب الفیل» از سوی محمد بن حسن قمی بیان شد و علامه حلی و محمد تقی مجلسی آن را تأیید کرده‌اند، هماهنگ است؛ ولی ذیل آن، یعنی بستن فیل با هدف تغییر نام را تأیید نمی کند. در گزارش بلاذری تاریخ این واقعه نیامده است، اما طبری (م ۳۱۰ ق) در ذکرو قیام سال ۴۲ از سلیمان بن ارقم نقل می کند:

هنگامی که مغیره [بن شعبه] مُرد، زیاد او [أم‌ایوب بنت عمارة بن اُبی معیط] را به همسری گرفت که زنی جوان بود. زیاد دستور داد فیلی را که نزدش بود بدارند تا أم‌ایوب بر او بنگرد. به همین دلیل آن درب را باب الفیل نام نهادند.^۲

۱. بلاذری، احمد، فتوح البلدان، ۳۵۲/۲.

۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ، ۲۷۳۷/۷.

نکته مهم در این گزارش، علاوه بر هماهنگی آن با گزارش بلاذری، تاریخمندی آن است. اگرچه در گزارش طبری اشاره‌ای به درب مسجد کوفه نشده، اما در گزارش بلاذری این مشکل برطرف شده است. علاوه بر آن‌که، درب دیگری نیست که به این نام شهرت یافته باشد. پس روشن می‌شود که این ماجرا حدود سال ۴۲ قمری، یعنی دو سال پس از شهادت امام علی علیه السلام و با فاصله‌ای اندک از ماجرای ثعبان رخ داده است. براساس شواهد فوق، نام‌گذاری «باب الثعبان» قابل اثبات نیست. احتمالاً این، ناشی از فقدان چنین نام‌گذاری یا کوتاه‌بودن زمان آن به دلیل تغییر آن به «باب الفیل» پس از شهادت امام علی علیه السلام باشد. روشن است که ماجرای ثعبان به مراتب برجسته‌تر از بستن یک فیل در نزدیکی آن درب است. از این رو شایسته بود «باب الثعبان» شهرت بیشتری می‌یافت. بنابراین احتمال نام‌گذاری آن از سوی ناقلان، قوی‌تر به نظر می‌رسد. هم‌چنین توجهی که برخی از بزرگان برای تغییر «باب الثعبان» به «باب الفیل» آورده‌اند، با شواهد تاریخی موجود در دیگر منابع تأیید نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

از بررسی اخبار موجود در منابع تاریخ، سیره و مناقب، درباره ماجرای ثعبان آشکار می‌شود، پیشینه گزارش خبر ثعبان به منابع قرن سوم بازمی‌گردد؛ اما روشن است که باید نقل آن را به منابع تألیف یافته در پیش از این دوره بازگرداند. این اخبار با هدف اثبات منقبت و علم امام علی علیه السلام و امامت ایشان گزارش شده‌اند.

متون اخبار ثعبان هم‌پوشانی دارند و جز در بخشی که به یادکرد نام ثعبان بازمی‌گردد، تعارض و تنافی در آنها مشاهده نمی‌شود. اختلاف موجود در این اخبار عمدتاً به نام آن جنی بازمی‌گردد و مسئله «باب الثعبان» یا «باب الفیل» مسئله‌ای خارج از اخبار ثعبان قلمداد می‌شود.

با توجه به ادله کلامی مرتبط با مقام و منزلت انبیا و اولیا علیهم السلام این رخداد را می‌توان از امور خارق‌العاده اما ممکن‌الوقوع به شمار آورد و اقبال برخی بزرگان امامیه، تأکید بر باورپذیری این ماجرا قلمداد می‌شود.

بیشتر گزارش‌های ثعبان از جهت سندی ضعیف و از جهت مصدري قابل پذیرش‌اند.

هم چنین اشاره به ماجرای ثعبان در برخی روایات و زیارات غیرمرتبط با این اخبار و سرودن اشعاری توسط پیشینیان در این باره و همراهی براهین عقلی، در شمار قرائن بیرونی برای اثبات این ماجرا جای دارند. براینده مجموع عوامل اعتمادافزا و اعتماددزا، تمایل به پذیرش خبر ثعبان را قوت می بخشد.

فهرست منابع

- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، الثاقب فی المناقب، تحقیق: نبیل رضا علوان، چاپ سوم: مؤسسه انصاریان، قم، ۱۴۱۹ق.
- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، دار صادر، بیروت، ۱۳۷۶ق.
- ابن شاذان، فضل، الايضاح، تحقیق: سید جلال الدین حسینی ارموی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۳ش.
- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابي طالب علیهم السلام، العلامة، قم، ۱۳۷۹ق.
- ابن طائوس، علی بن موسی، اقبال الأعمال، تحقیق: جواد قیومی، چاپ اول: مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۴ق.
- ابن عبدالوهاب، حسین، عیون المعجزات، المطبعة الحیدریة، نجف، ۱۳۶۹ق.
- ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، تحقیق: سید محمد رضا جلالی، چاپ اول: دار الحدیث، قم، ۱۴۲۲ق.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۹ق.
- ابومخنف، لوط بن یحیی، وقعة الطف، تحقیق: محمد هادی یوسفی غروی، چاپ سوم: مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.
- بحرانی، هاشم، مدینه المعاجز، تحقیق: عزت الله مولائی همدانی، مؤسسه المعارف الاسلامیة، قم، ۱۴۱۳ق.
- برسی، حافظ رجب بن محمد، مشارق انوار الیقین، تحقیق: علی عاشور، اعلمی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
- بلاذری، احمد، فتوح البلدان، مکتبه النهضة المصریة، قاهره، ۱۹۵۶م.
- تهرانی، آقابزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، چاپ دوم: دار الأضواء، بیروت.
- جوهری، اسماعیل، الصحاح، تحقیق: أحمد عبد الغفور العطار، چاپ چهارم: دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ق.

- حائری یزدی، علی، إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عنه السلام، تحقيق: علي عاشور، مؤسسة الأعلمي، بيروت، ١٤٢٢ق.
- حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی)، المسلك في أصول الدين، تحقيق: رضا استادی، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، ١٤١٤ق.
- حلی، حسن بن یوسف، كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، تحقيق: حسن حسن زاده آملی، چاپ هفتم: مؤسسة النشر الاسلامي، قم، ١٤١٧ق.
- حلی، حسن بن یوسف، منهاج الكرامة، تحقيق: عبدالرحيم مبارك، تاسوعاء، مشهد، ١٣٧٩ش.
- خصیبي، حسین، الهداية الكبرى، مؤسسة البلاغ، بيروت، ١٤١١ق.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران، ١٣٧٣ش.
- دیلمی، حسن، إرشاد القلوب، چاپ دوم: الشريف الرضي، قم، ١٤١٥ق.
- شامی، یوسف بن حاتم، الدر النظیم في مناقب الأئمة اللھامیم، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، ١٤٢٥ق.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تحقيق: محسن بن عباس علی کوچه باغی، چاپ دوم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، قم، ١٤٠٤ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليه السلام، مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، ١٤١٧ق.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبري، چاپ چهارم: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٣ق.
- طبری، محمد بن علی، بشارة المصطفى لشيعه المرتضى، چاپ دوم: المكتبة الحيدرية، نجف، ١٣٨٣ق.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تحقيق: سيداحمد حسینی، چاپ دوم: مرتضوی، تهران، ١٣٦٢ش.
- طوسی، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، تصحيح و تعليق: ميرداماد استرآبادی، تحقيق: سيدمهدي رجائي، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم، ١٤٠٤ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، تحقيق: عبدالعزيز طباطبائي، مكتبة المحقق الطباطبائي، قم، ١٤٢٥ق.
- عاملی نباطی، علی، الصراط المستقیم إلى مستحقي التقديم، تصحيح وتحقیق: محمد باقر بهبودی، المكتبة الحيدرية، نجف، ١٣٨٤ق.
- عاملی، محمد بن مکی (شهيد اول)، المزار، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي عنه السلام، مدرسة الإمام المهدي عنه السلام، قم، ١٤١٥ق.
- علوی، محمد بن علی، المناقب للعلوي، تحقيق: سيدحسين موسوي بروجردی، دليل ما، قم، ١٤٢٨ق.

- فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین، منشورات الرضی، قم، ۱۳۷۵ ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، چاپ دوم: مؤسسة دار الهجرة، قم، ۱۴۰۹ ق.
- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم: دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۱۲ ق.
- قطب الدین راوندی، سعید، الخرائج و الجرائح، تحقیق: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
- قمی، شاذان، الروضة في فضائل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، تحقیق: علی شکرچی، مكتبة الأمين، قم، ۱۴۲۳ ق.
- قمی، شاذان، الفضائل، مكتبة الحيدرية، نجف، ۱۳۸۱ ق.
- قمی، محمد بن حسن، العقد النضيد و الدرّ الفريد، تحقیق: علی أوسط الناطقي، دار الحديث، قم، ۱۴۲۳ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الكافي، تصحيح و تعليق: علی اکبر غفاری، چاپ پنجم: دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۳ ش.
- لیثی واسطی، علی، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق: حسین حسنی بیرجندی، دار الحديث، قم، ۱۳۷۶ ش.
- مازندرانی، محمد صالح، شرح أصول الكافي، تعليق: ابوالحسن شعرانی، تصحيح: علی عاشور، المكتبة الإسلامية، تهران، ۱۳۸۲ ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، چاپ دوم: دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۰۳ ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم: دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۴ ق.
- مجلسی، محمد تقی، لوامع صاحبقرانی، چاپ دوم: مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۴ ق.
- مرعشی، شهاب الدین، شرح احقاق الحق و إزهاق الباطل، اسلامیه، تهران، ۱۴۱۷ ق.
- مسعودی، عبد الهادی، وضع و نقد حدیث، سمت، تهران، ۱۳۸۸ ش.
- مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصية، چاپ سوم: انصاریان، قم، ۱۴۲۶ ق.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- مفید، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، تحقیق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ دوم: دار المفید، بيروت، ۱۴۱۴ ق.
- میرزای قمی، ابوالقاسم، قوانین الأصول، مكتبة العلمية اسلامية، تهران، ۱۳۷۵ ق.
- نجاشی، احمد بن علی، فهرست النجاشي، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، چاپ پنجم: مؤسسة النشر الاسلامي، قم، ۱۴۱۶ ق.